

زیر آسمان فیر وزهای

«رضایی‌راد» بانمایش «فعل» به تئاتر شهر می‌رود



● **گروه هنر:** محمد رضایی‌راد پس از ۱۲ سال به تئاتر شهر بازمی‌گردد. «فعل» عنوان تازه‌ترین اثر محمد رضایی‌راد است که به نویسندگی و کارگردانی او در مجموعه تئاتر شهر روی صحنه می‌رود. این نویسنده و کارگردان تئاتر، آخرین‌بار در سال ۱۳۸۴ نمایش «بارگشت به خان نخست» را در این مجموعه روی صحنه برده بود. همچنین محمد رضایی‌راد سال گذشته نمایش «براساس دوشس مُلّفی» را با بازی باران کوثری، رضا بهبودی، احمد سَاعَتچیان و… به صحنه برد که با استقبال خوب مخاطبان روبه‌رو شد و از سوی انجمن منتقدان، نویسندگان و پژوهشگران تئاتر به‌عنوان اثر برگزیده ۹۵ سال معرفی شد. نمایش «فعل» که فضایی کاملاً متفاوت با نمایش «براساس دوشس مُلّفی» دارد، آذر و دی در مجموعه تئاتر شهر روی صحنه می‌رود.

«نقطه‌وشیر» به جشنواره حقیقت راه‌یافت



● **گروه هنر:** جشنواره سینما - حقیقت فیلم‌های انتخاب‌شده برای راه‌یافتن به مسابقه ملی جشنواره را اعلام کرد. در بخش فیلم‌های مستند کوتاه، فیلم «نقطه و شیر» - ساخته سروناز علم‌بیگی، یکی از فیلم‌های انتخاب‌شده از میان ۹۸ فیلم پرتره است. «نقطه و شیر» به مناسبت نمایشگاه «پرویز تناولی و شیرهای ایران» که در تابستان گذشته در موزه هنرهای معاصر تهران برپا شده بود، ساخته شد. مراسم گشایش نمایشگاه با نمایش «نقطه و شیر» آغاز شد و در طول مدت نمایشگاه، این فیلم چندبار به نمایش درآمد و با استقبال بسیار گرم تماشاگران روبه‌رو شد. هوشنگ گلמکانی، منتقد مطرح، این فیلم را ستوده و گفته از این پس اگر بخوایم از یک فیلم به‌عنوان فیلم پرتره یک هنرمند نام ببرم، آن فیلم «نقطه و شیر» خواهد بود. سروناز علم‌بیگی، نقاش و فیلم‌ساز، با استفاده از عکس‌ها و فیلم‌های قدیمی، بی‌آنکه تاولی را جلوی دوربین ببرد، به چهار سوی هری تاولی (مجسمه‌سازی، نقاشی، نویسندگی و مجموعه‌اداری) پرداخته است. کارگردان با آنکه برای ساخت این فیلم زمان بسیار کوتاهی در اختیار داشت، با آفریدن و افزودن تعداد زیادی انیمیشن، ریتم زنده‌ای به فیلم خود داده و یک مستند خلاقانه ساخته است. نخستین فیلم علم‌بیگی به نام «اتاق دوم» در جشنواره بین‌المللی مادرید در سال ۱۳۹۴ نامزد دریافت جایزه بهترین تهیه‌کننده فیلم مستند خارجی و بهترین موسیقی فیلم شده است. «اتاق دوم» و ساخته دیگر او با نام «تومارولند» در جشنواره‌های سینمای مستند بسیاری از کشورهای جهان به نمایش درآمده‌اند. علم‌بیگی که هم‌اینک برای ساخت بخشی از مستند آینده خود در اروپا به‌سر می‌برد، پیش‌تر در گفت‌وگویی به «شرق» گفته بود: این فیلم جست‌وجوی هنرمندی کنجگوار از نشان می‌دهد که با الهام‌گرفتن از منابع ایرانی، معنای جدیدی از آنها متولد می‌کند. تهیه‌کننده فیلم، گالری ۱۰ است که در سال‌های قبل برپاکنده نخستین نمایش‌های تناولی پس از انقلاب در ایران بود. یازدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران، «سینما - حقیقت» از ۱۹ تا ۲۶ آذر در تهران برپا خواهد بود.

نوای کردی «ترنگ» برای زلزله‌زدگان کرمانشاه

● **گروه هنر:** گروه موسیقی «ترنگ» به سرپرستی «برزو امیری» و خوانندگی «نورالدین بزله»، در «تالار اندیشه حوزه هنری» شهر تهران به صحنه می‌رود. این در حالی است که گروه «ترنگ»، برای ابراز همدردی با جان‌باختگان زلزله‌ای که شامگاه بیست‌ویکم آبان، بخش‌هایی از کشور را در بر گرفته و هم‌وطنانمان را عزادار کرده، قطعاتی ویژه را اجرا می‌کند و بخشی از عواید کنسرت هم به زلزله‌زدگان کرمانشاه تعلق خواهد گرفت. گروه «ترنگ» به سرپرستی «برزو امیری»، جمعه سوم آذر، ساعت ۱۸ در «تالار اندیشه حوزه هنری» کنسرتی برگزار می‌کند. در این اجرا که به تهیه‌کنندگی «مجید فلاحیور» برگزار می‌شود، نورالدین بزله (خواننده)، سجاد سقایی (عود)، کاوه کلهرنیا (دیوان)، مجید علیزاده (تمبک)، علی بشردوست (سنتور)، پیام امیرباهر (تار)، میلاد داول (دف و دهل)، محسن کیهان‌نژاد (بالابان و سرنّا)، میترا زلفی (قیچک باس)، آسیه احمدی (دف و دهل) و ... اعضای گروه «ترنگ» را تشکیل می‌دهند.

گروه هنر: شهرام ناظری و گروه «کامکار» تا چند روز دیگر سرود همدلی و حمایت از بازماندگان زلزله کرمانشاه را در قلب پایتخت سر می‌دهند. شهرام ناظری، خواننده موسیقی سنتی ایران، از تمامی مردم ایران برای کمک به زلزله‌زدگان کُرد استمداد و اعلام کرد به‌زودی همراه با گروه کامکارها به نفع زلزله‌زدگان روی صحنه می‌رود.

این هنرمند پیش‌کسوت در گفت‌وگو با «شرق»، ضمن اعلام آمادگی برای برگزاری کنسرت به نفع زلزله‌زدگان به صورت همت عالی اعلام کرد: بنا داریم بلافاصله بعد از روزهای شهادت به نفع زلزله‌زدگان کُرد به صحنه برویم و کنسرتی خیره‌را که تمامی عواید آن به زلزله‌زدگان اختصاص پیدا کند برگزار کنیم. درحال حاضر در حال رایزنی برای برگزاری این کنسرت در یکی از تالارهای اصلی شهر تهران هستیم که بتوانیم به شکلی شایسته این کنسرت را برپا کنیم و منابع مالی را برای آنها جمع‌آوری کنیم.

ناظری ادامه داد: «درست است که ما نمی‌توانیم همه مشکلات را حل کنیم، اما بخشی از آنها را قطعاً می‌توانیم. امیدوارم که مسئولان و هنرمندان در این زمینه بیندیشند و راهکارهای خوبی برای آن پیدا کنند. من شخصاً خواسته قلبی و احساس درونی‌ام که مددسازان و همدردی با هموطنان و هم‌زبانان خودم است، بسیار علاقه‌مندم که در این زمینه با مردم کرد همدردی کنم و برنامه‌ای را تا پیش از سی‌ام آبان که موعَد

آن‌ها جمع‌آوری کنیم».

گروه هنر: سه روز از زلزله کرمانشاه می‌گذرد اما هنوز عکاسان نام‌آشنا، در این واقعه دردناک حضور نیافته‌اند و این خود خبر از تغییر اوضاع و شرایط فعلی عکاسی در دل بحران و مصیبت‌ها خواهد داد. با چهار نفر از عکاسان شناخته‌شده و حرفه‌ای تماس می‌گیریم که درباره عکاسی از بحران برابمان بگویند و اینکه چرا حضور نام‌آوران عکس در محل حادثه زلزله کرمانشاه کمتر شده است؟! یکی از آنان تأکید می‌کند: دور از شان ما و روزنامه است که وقتی اتفاقی می‌افتد، بخواید درباره‌اش اظهارنظر کنید و همان بهتر که به مسائل اساسی‌تر بپردازد! عکاس دیگر می‌گوید که عکاسان صاحب‌نام دیگر تمایلی به حضور در حوادث مصیبت‌بار و تلخ را ندارند و اگر جوان‌ترها هم می‌روند، چون هم به‌دنبال تجربه عکاسی از بحران هستند و هم دلشان می‌خواهد با چنین عکس‌هایی خود را مطرح کنند. از سویی دیگر تعریف مواجهه با بحران تغییر کرده و مطبوعات هم تمایل زیادی به عکاسی از چنین موضوعاتی را ندارند. این عکاس از سوریه مثال می‌آورد که هر روز در آنجا جنگ و بمباران باعث کشتار بسیاری از آدم‌ها می‌شود اما چندان عکسی از آن وقایع در روزنامه‌ها دیده نمی‌شود. یکی دیگر هم می‌گوید که دیگر نمی‌خواهد درباره این مسائل و بحران و چنین موضوع‌هایی اظهارنظر کند.

حمید فروتن، رئیس هیئت‌مدیره انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی ایران درباره چرایی این موضوع می‌گوید: «این روزها عکاسان محلی از تجهیزات بهتری برخوردارند و به‌همین دلیل هم سریع در محل حضور می‌یابند و هم می‌توانند عکس‌های باکیفیتی بگیرند؛ بنابراین تا اندازه‌ای باعث می‌شود که عکاسان حرفه‌ای پایتخت انگیزه کمتری برای رفتن به محل واقعه داشته باشند».

او می‌افزاید: «همچنین عکاس شهروندان نیز که با موبایل‌هایشان اغلب عکس می‌گیرند، در محل حضور دارند و در فضای مجازی عکس‌های بسیاری را می‌گذارند که این هم تا اندازه‌ای از انگیزه حضور

هنر

به‌همراه «کامکارها» برای کمک به زلزله‌زدگان

«ناظری» برای زلزله‌زدگان کرمانشاه می‌خواند



برگزاری کنسرتم در کشورهای دیگر است، برگزار کنم.

طبیعتاً بخشی از قطعات این کنسرت گردی خواهد بود و ملهم از فضای زلزله‌ای که در استان کرمانشاه آمده». شوالیه آواز ایران درباره قطعات اجرایی در این برنامه گفت: «از مجموع همکاری‌های خودم



عکاس:

سیدان فرح‌پور

جای خالی عکاسان نام‌آشنا در مناطق زلزله‌زده کرمانشاه

بحرانی در دل بحران

حرفه‌ای‌ها می‌کاهد. فروتن تأکید می‌کند که الان هم عکاسان حرفه‌ای در محل حضور دارند اما آنها به‌دنبال عکس‌هایی هستند که به‌صورت داستان‌عکس می‌گیرند و مجموعه عکس‌هایشان حالت داستان‌گویی دارد.

او همچنین یادآور می‌شود که الان برای رفتن به محل حادثه نیازمند گرفتن بلیت هواپیمای و طی کردن یک مسیر است و اینها هم تا حدی باعث می‌شود عکاسان حرفه‌ای نسبت به عکاسان محلی دیرتر در محل حاضر باشند.

مهدی قاسمی، دبیر سرویس عکس خبرگزاری ایسنا که عکس‌هایش از فاجعه زلزله کرمانشاه در بسیاری از نشریات و سایت‌ها دیده‌شده در گفت‌وگو با

«شرق» درباره شرایط عکاسی در این منطقه می‌گوید: «در روستاها شرایط سخت‌تر است و بسیاری از آنها اجازه عزیزانشان را خودشان دفن می‌کنند و عمق فاجعه زیاد است. بسیاری از آنها سرنه‌ا ندارند و مشکل اصلی آنها چادر و پتو است و چیزی که بیشتر به چشم می‌آید، مشکل توزیع کمک‌های است که به منطقه آورده می‌شود».

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش اضافه می‌کند: «بسیاری از آسیب‌دیدگان زلزله گلایه‌هایشان را از نبود امکانات به ما منتقل می‌کنند و از ما توقع دارند اتفاقات را منعکس کنیم و به گوش مسئولان برسانیم». قاسمی درباره عکاسی در شرایط بحرانی می‌گوید: «به‌رحال در شرایط این چنینی بهتر است حریم‌هایی

و گروه کامکارها که بارها با هم به صحنه رفته‌ایم، قطعاتی را در این کنسرت خیره‌ی اجرا خواهیم کرد. آنچه در این کنسرت برای من اهمیت دارد، نتیجه‌ای است که در پی آن خواهد آمد که من به مردم و حضور آنها امیدوارم».

او ادامه داد: من و کامکارها هر دو کُرد هستیم و جدای از مسئله غم‌انگیزی که برای هم‌وطنان و هم‌نوعانم به‌خاطر زلزله پیش آمده و آنها درگیر سختی‌ها و گرفتاری‌های آن شده‌اند، مسئله هم‌زبانی هم مطرح است.

خواننده‌ای که افتخارات جهانی بسیاری را برای موسیقی و آواز این مرزوبوم به ارمغان آورده، پیش از این هم چند کنسرت خیره‌ی برای حمایت از بیماران نیازمند سرطانی استان کردستان، بیماران جذامی مهیاد و دختران حادثه‌دیده روستای «شین‌آباد» پیرانشهر برگزار کرده بود. گروه موسیقی کامکارها هم در طول این سال‌ها پیوسته در زمینه فعالیت‌های انسان‌دوستانه، از گروه‌های پیشرو بوده‌اند. این گروه که در سال‌های فعالیت خود نشان داده همواره دغدغه‌های اجتماعی‌ای حتی فراتر از مرزهای ایران دارد، سال گذشته به دعوت سازمان جهانی یونسف، آثار سمفونیک «هوشنگ کامکار» را در لندن به نفع کودکان آواره سوری روی صحنه برد. حالا هنرمندانی از تبار کرد، می‌خواهند با آواز و سازشان با زلزله‌زدگان استان کرمانشاه ابراز همدردی کنند.

● **لیلی فرهادپور:** «بژو۶۲۰» بی‌هویت‌ترین ماشین در ایران است! چون معمولاً می‌توان خاستگاه طبقاتی آدم‌ها را از روی اتومبیل‌شان حدس زد؛ مثلاً شاسی‌بلند برای بالاشهری‌ها و پراید برای پایین‌ترها؛ ولی در این میان تکلیف بژو۶۲۰ خیلی نامعلوم و مبهم است. این ماشین را هم بالاشهری‌ها به‌عنوان ماشین دوم و سوم دارند و هم خانواده‌های متوسط (که البته دشتان به دهنشان کمی بیشتر از دارندگان پراید می‌رسد). تالار وحدت هم در میان سالن‌های نمایش تئاتر کشور، چنین احوالی دارد. این سالن بی‌همای پایتخت که همین روزها سالگرد ۵۰سالگی خود را می‌گذراند، در این چندساله به‌خصوص، یک‌موقع فاخرترین نمایش را می‌گذارد، یک‌موقع سفیض‌ترین و البته در هر دو مورد، گیشه برایش مهم‌ترین عامل است (از اجاره‌دادن سالن برای جشن‌ها و این‌چیزها بگذریم).

تالار وحدت البته ویژگی‌های دیگری نیز دارد که آن، صحنه مجهز و گرانی بلیتش است. این شلم‌شوی‌ی به‌وجودآمده، موجب شده است مخاطبان و تماشاگران این سالن هم پدیده‌ای خاص باشند که نظیرش را کمتر در سالن‌های دیگر می‌بینیم. اینها را که نوشتیم گوشه دهن‌تان نگه‌دارید، دارم بار با آنها. هم‌اکنون در این سالن دو نمایش روی صحنه است: «سهروردی» کار شکرخدا گودرزی و «شوایک، سرباز ساده‌دل» کار حمیدرضا نعیمی. از «سهروردی» شروع کنم. از نظر

رعایت شود؛ مثلاً از جنازه و اجساد عکاسی نشود. تصور می‌کنم ثبت عکس‌های این چنینی جذاب نیست و تا جایی که امکان‌ش هست عکس‌های این چنینی منتشر نشود. برای نشان‌دادن عمق فاجعه راه‌های بهتری هم هست». امیر جدیدی، عکاس «شرق» که در محل زلزله حضور دارد و از سریل‌ذهاب به کرمانشاه برمی‌گردد، می‌گوید در اینجا عکاسان حرفه‌ای با ۱۰ تا ۱۵ سال سابقه حضور دارند. همچنین تعدادی از عکاسان کرمانشاه و سریل‌ذهاب و شهرهای اطراف در محل وقوع حادثه حضور می‌یابند اما هنوز هیچ عکاس حرفه‌ای اسم و رسم‌دار و شناخته‌شده را ندیده‌است. وقتی از علتش می‌پرسیم، می‌گوید: «با دو، سه نفری که در تماس بوده‌ام، گفته‌اند که نمی‌رسند و حتی یکی از آنها هم به‌دلیل چشم‌درد نمی‌تواند به کرمانشاه برود. این رنگارنگ عکاس می‌گوید که عکاسی زلزله بسیار سخت است؛ چون «نه در شهر آب و برقی هست، نه پتویی و سرپناهی و نه می‌توانی انتظاری هم داشته باشی». او همچنین تأکید می‌کند که مردم روستاهای استان کرمانشاه شدیداً به چادر و پتو و لباس گرم نیاز دارند و ای کاش مردم بتوانند هرچه زودتر برای رساندن چنین نیازهایی اقدام کنند؛ چون هوای آنجا بسیار سرد است و بچه‌های زیادی نیازمند توجه و گرمای محبت مردم هستند.

می‌توان این‌گونه استنباط کرد که تعریف‌ها در برخورد با عکاسی در بحران متفاوت شده است و اگر قبلاً حضور عکاس حرفه‌ای‌تر و باتجربه‌تر تعیین‌کننده کیفیت بوده است اما امروز تجهیزات عکاسی و تکنولوژی به‌شکل دیجیتال و خودکار تعیین‌کننده این کیفیت شده‌اند و به‌همین دلیل افراد معمولی هم می‌توانند عکس باکیفیت و خبری بگیرند و به‌صورت در لحظه‌بودن عکس‌ها را در فضاهای مجازی در اختیار همگان قرار دهند و این خود باعث عمومی‌ترشدن عکاسی و از آن سو گم‌رنگ‌شدن حضور حرفه‌ای‌ها و حتی شناخته‌شده‌ها در این عرصه خواهد شد.

علی‌اکبر مرادی در گفت‌وگو با «شرق»:

خانه تنبور سالم است

زندگی‌شان و روستاهایشان به‌شدت تخریب شده است، هرچه سریع‌تر به زندگی عادی برگردند». در پی زلزله‌ای که بیست‌ویکم آبان در کرمانشاه و توابع آن آمد، تا‌به‌حال حدود ۵۰۰ کشته و هشت‌هزار زخمی داشته و روستاهای بسیاری در هم‌جواری کرمانشاه به‌شدت تخریب شده‌اند. خانه تنبور ۲۱ شه‌ریور امسال در روستای بازنلان افتتاح شد که در مراسم افتتاحیه آن که به همت علی‌اکبر مرادی برگزار شد، مسئولان و هنرمندانی چون حسین علیزاده، شهرام ناظری، کیهان کلهر، علی‌اکبر شکارچی، محمدرضا درویشی، نوید افقه، علی بوستان، علی ترابی و بسیاری از هنرمندان محلی حضور داشتند.

جامعه تجسمی به کمک زلزله‌زدگان می‌شتابد

همه خانواده هنر ایران که دوست دارند در این اقدام خیرخواهانه مشارکت کنند دعوت می‌کند. در صورت تمایل، یک یا چند اثر خود را برای ارائه در حراج اهدا کنند».
تاوکید کرد: «بدیهی است تمامی عواید فروش این حراج به آسیب‌دیدگان زلزله اخیر اختصاص داده خواهد شد».
مدیر گالری مژده درباره شیوه فروش آثار در این حراج خیره‌ی توضیح داد: «همه آثار، حتی آثار بزرگان، نصف قیمت واقعی‌شان و حتی کمتر، روی دیوار ارائه می‌شود و در پایان سومین روز به بالاترین پیشنهاد فروخته خواهد شد».
نشانی گالری مژده، سعادت‌آباد، علامه شمالی، خیابان هجدهم شرقی، پلاک ۱۲۷ است و علاقه‌مندان می‌توانند با شماره تلفن ۰۲۱۲۲۰۶۷۴۴۲ تماس بگیرند.

گروه هنر: گالری مژده با انتشار فراخوانی اعلام کرد با برپایی حراج سه‌روزه آثار هنری، جامعه تجسمی به کمک آسیب‌دیدگان زلزله کرمانشاه و غرب ایران خواهد شتافت. مژده طباطبایی، مدیر گالری مژده با اعلام خبر فوق گفت: «از همه هنرمندان، مجموعه‌داران و همکاران گالری‌دارم که دوست دارند در این حرکت خیرخواهانه مشارکت کنند دعوت می‌کنم آثار هنری خود را به گالری مژده تحویل دهند تا در حراج خیره سه‌روزه ارائه شود». او افزود: «گالری مژده ضمن ابراز تأسف از این حادثه غم‌انگیز، به‌منظور همدردی با عزیزانی که در زلزله آسیب دیده‌اند، بخشی از گنجینه خود را در این حراج از روز جمعه، ۲۶ تا ۲۸ آبان، به فروش می‌رساند و ازاین‌رو از

روزنامه‌نگار مستعفی

تالاروحدت، سهروردی شوایک وبژو۶۲۰

● **لیلی فرهادپور:** «بژو۶۲۰» بی‌هویت‌ترین ماشین در ایران است! چون معمولاً می‌توان خاستگاه طبقاتی آدم‌ها را از روی اتومبیل‌شان حدس زد؛ مثلاً شاسی‌بلند برای بالاشهری‌ها و پراید برای پایین‌ترها؛ ولی در این میان تکلیف بژو۶۲۰ خیلی نامعلوم و مبهم است. این ماشین را هم بالاشهری‌ها به‌عنوان ماشین دوم و سوم دارند و هم خانواده‌های متوسط (که البته دشتان به دهنشان کمی بیشتر از دارندگان پراید می‌رسد). تالار وحدت هم در میان سالن‌های نمایش تئاتر کشور، چنین احوالی دارد. این سالن بی‌همای پایتخت که همین روزها سالگرد ۵۰سالگی خود را می‌گذراند، در این چندساله به‌خصوص، یک‌موقع فاخرترین نمایش را می‌گذارد، یک‌موقع سفیض‌ترین و البته در هر دو مورد، گیشه برایش مهم‌ترین عامل است (از اجاره‌دادن سالن برای جشن‌ها و این‌چیزها بگذریم). تالار وحدت البته ویژگی‌های دیگری نیز دارد که آن، صحنه مجهز و گرانی بلیتش است. این شلم‌شوی‌ی به‌وجودآمده، موجب شده است مخاطبان و تماشاگران این سالن هم پدیده‌ای خاص باشند که نظیرش را کمتر در سالن‌های دیگر می‌بینیم. اینها را که نوشتیم گوشه دهن‌تان نگه‌دارید، دارم بار با آنها. هم‌اکنون در این سالن دو نمایش روی صحنه است: «سهروردی» کار شکرخدا گودرزی و «شوایک، سرباز ساده‌دل» کار حمیدرضا نعیمی. از «سهروردی» شروع کنم. از نظر نگرش نقد پس‌استعماری، اصولاً رفتن سراع فاختر و اندیشمندان این‌سردنیایی در این روزگار ذوب‌شدن هنرمندان در نگرش‌های از آن سر‌دنیآ آمده (والیته تاریخ گذشته مانند نگرش‌های پست‌مدرنیستی و فرمالیستی)، کار درخور اجری است و دست شکرخدا گودرزی از این بابت درد نکند. «سهروردی» شکرخدا گودرزی تا جایی‌که تئاتر مـا ظرفیتش را دارد، به زندگی و تفکرات این عالم ایرانی پرداخته است. از «حکمت‌الاشراق» گرفته تا رویکردش درباره عشق در «فی حقیقه‌العشق» یا «مونس‌العشاق». اما چیزی که هنگام دیدن این نمایش به ذهنم رسید، این بود که محاکمه، مؤاخذه و بزدان‌افکندن شهاب‌الدین ما و مرگش که او را شیخ مقتول یا شهید لقب‌دار کرده است، کم از دادگاه کالیله ندارد. فرقیش این است که سهروردی را به همان دلیل در قرن ۱۲ میلادی محاکمه کردند که کالیله را چهار قرن بعد در قرن ۱۶ میلادی! یعنی ما اینجا چهار قرن منوراالفرکر از اروپایی بودیم که اکنون چنین از منظر فلسفه به ما فخر می‌فرشود. نکته اینجاست که ما «برشت» نداشتیم و نداریم که اینـ دادگاه را با نوشتن نمایش‌نامه‌ای از آن، ابدی کند. امیدوارم راهی که شکرخدا گودرزی شروع کرده است، به تولید نمایش‌نامه‌هایی بهتر و بهتر درباره سهروردی‌ها برسد. اما مخاطب «سهروردی» در تالار وحدت چه کسانی هستند؟ مسلماً بیشتر از تئاتری‌ها مردم عادی و درعین‌حال علاقه‌مند به اندیشمندان ایرانی خواهند بود و چه‌بسا گرانی بلیت این سالن بی‌همتای پایتخت، مانعی باشد برای رسیدن مخاطب چنین نمایش‌نامه‌هایی. شاید راهش رانت باشد و شاید تغییر نگاه به تئاتر و مخاطب، نه. نمی‌دانم... اما نمایش دوم؛ یعنی «شوایک، سرباز ساده‌دل»، نمایش اقتباس آزادی است که حمیدرضا نعیمی از اثر کم‌نظیر «یاروسلاو هاشک» داشته است. شوایک سرباز ساده‌دلی است که می‌خواهد از شوع جنگ جهانی اول جلوگیری کند. نمایش از خبر مرگ شاهزاده اتریش شروع می‌شود؛ اتفاقی که خیلی‌ها آن را تسر آغاز تحولات پیچیده قرن بیستم می‌دانند، قتلی که به اسیر جنگ خانمان‌سوز جهانی منجر شد. حرف کنده‌ای است؛ اینکه چگونه فاسدان و ثروتمندان و برخی از اهالی نان به نرخ روز بخور کلیسا قبل از این جنگ به نوابی می‌رسیدند و به همین دلیل آتش آن را تندتر و تیزتر می‌کردند. درون‌مایه‌ای که می‌تواند بسیاری از ما را وادار به مذهب‌پنداری کند؛ در این روزهای پر از داعش و ترامپ! اما امان از این هويت مانند بژو۶۲۰بودن سالن تالار وحدت. صندلی‌های این سالن در نمایش «شوایک» پُر تر است؛ با این تفاوت که چهره‌های تماشاگران خیلی غریب‌اند. البته بسیار خوب است که چهره‌های جدید به مخاطبان تئاتر مملکت اضافه شود. اما کمی که گوش بایستی، می‌بینی بیشتر این جمعیت به خاطر چهره تلویزیونی «حامد کمیلی» آمده‌اند. البته این دوستان تلویزیون‌بین تازه به تئاتر آمده، در میان بازیگران این نمایش حتما «فرهاد آیش» و «امیرحسین رستمی» را هم می‌شناسند (نه به‌عنوان بازیگر تئاتر بلکه به‌عنوان بازیگر تلویزیون). البته این‌ها هم با اتفاق بسیار میمونی است؛ چون هرچندفر تماشاگر تلویزیون‌ها چه داخلی چه خارجی از پشت این جعبه جادویی مخدر بلند شود و به سالن تئاتر بیاید، بسار به فرهنگ کم می‌شود؛ ولی مشکل اینجاست که این مخاطب نه از شروع قرن بیستم و فاجعه جنگ جهانی اول آگاهی دارد و نه از تأثیرات بعدی آن. تجربه جالب در هشتاد و هشتین با مخاطب در سالن تئاتر، این است که با هر چیز ناچیزی از خنده منفجر می‌شود؛ ولی هنگامی که شوایک از صلح می‌گوید و رنج بشری، به خمیازه می‌افتد و متأسفانه این واکنش باعث می‌شود بازیگران نیز بیشتر و بیشتر به لوگدی گرایش پیدا کنند. تجربه جالب‌تر اینکه در محدودیت‌های تلویزیون هیچ‌گاه جایی برای نمایش ندارد. این مخاطبان تلویزیونی تازه به سالن نمایش آمده ر انگشت‌به‌دهان می‌کند که مملکت ما این‌قدر آزاد بود و ما نمی‌دانستیم، به‌رحال، تمام این نکات به نظرم مثبت است؛ خیلی مثبت. زنده‌باد بی‌هوتی‌های ۱۲۰۶آی!